



گفتار ہائے شیرین (کلماتِ شیریں)

شیخ طریقت، امیر اہل سنت، بانی دعوت اسلامی، حضرت علامہ مولانا ابو بلال

قائمہ شاہ تہذیب
العثمانیہ

محمد الیاس عطار قادری رضوی

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ط وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَاتَمِ النَّبِيِّينَ ط
 أَمَا بَعْدُ فَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ط بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ط

دعای خواندن کتاب: قبل از مطالعه کتاب دینی یا درس اسلامی
 دعای را کہ در پائین تحریر گردیده بخوانید، إِنَّ شَاءَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ آنچه را کہ
 می خوانید فراموش نمی کنید. دعا اینست:

اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا حِكْمَتَكَ وَأَنْشُرْ
 عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

ترجمہ: خدا یا دروازهٔ وحمت را بر ما بگشا و رحمت خویش را بر
 ما نازل فرما. ای صاحب عظمت و بزرگی. اول و آخر یکبار درود
 شریف خوانده شود.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ط وَالصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلٰى خَاتَمِ النَّبِيِّنَّ ط
 اَمَّا بَعْدُ فَاَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيْمِ ط بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ط

گفتار ہائے شیرین (کلماتِ شیرین)¹

کلماتِ شیرین؛ شیطان این بیان را بہ پایاں (48 صفحات) از خواندن
 مانع شود مگر شما این دہ دل را ناکام گردانید۔

یک دلیل سزا دادن در قبر

در ”الْقَوْلُ الْبَدِيعُ“ نقل است کہ، حضرت ابوبکر شبلی بغدادی رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلَيْهِ مِی فرمایند: من همسائیه مرحوم را در خواب دیدم و از او پرسیدم مَا فَعَلَ اللّٰهُ بِكَ؟ یعنی اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ با شما چه کرد؟ او گفت: من در حالی ہولناکی قرار دا شتم، بہ سوالات منکر نکیر نمی توانستم جواب دہم، در دلم بہ این خیال افتادم کہ شاید خاتمہ ام با ایمان نشدہ است؛ در این اثنا آوازی شنیدم کہ این سزا بخاطر گفتن سخنان غیر ضروری و ناشایست است همین لحظہ فرشتہ عذاب بسویم می آمد کہ نا گہان یک شخص معطر و با حسن و جمال

¹ این بیان امیر اہلسنت دامت برکاتہم العالیہ جنبش غیر سیاسی ”دعوت اسلامی“ تبلیغ قرآن و سنت کہ در اجتماع مملو از سنت نبوی می باشد در (ربیع النور شریف ۱۴۳۰ ۲۰۰۹) در باب المدینہ کراچی فرمودند با ترمیمات ضروری حاضر خدمت است۔

درمیان من و فرشتہ عذاب حائل گردید و جواب سوالات منکر نکیر را بمن آموخت و آنچه آن بزرگوار فرمود ہما نگونه جواب دادم و اَلْحَمْدُ لِلّٰہِ از عذاب نجات یافتم و در خدمت آن بزرگ عرض کردم خداوند بر شما رحم فرماید شما کی ہستید؟ فرمود من از برکت ہمان درود شریف کہ شما خواندہ اید مامور قرار گرفتہ ام کہ در ہر مصیبت ترا کمک نمایم۔

(اَلْقَوْلُ التَّيْدِيعِ ص ۲۶۰ مؤسسۃ الزَّيَّانِ بیروت)

صَلُّوْا عَلَی الْحَبِیْبِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْ مُحَمَّدٍ

سُبْحٰنَ اللّٰہ: از برکت کثرت درود شریف برای کمک کردن وقتی فرشتہ می تواند در قبر بیاید پس سردار تمام موجودات و فرشتہ ہا سید مکی مدنی محمد مصطفیٰ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم چگونه نمی تواند امداد فرماید۔ بزرگی بجا فرمودہ:

من در قبر تاریک می ترسم بہ تنہایی
امداد کن ای آقا بیا در کنار من

خاکم را کنی روشن برای رضای خدا ای شاہ جہان آراء
وقتی کہ موتم رسد دیدارت را عطا فرما

شعر:

میں گورا ندهیری میں گہراؤں گا تنہا
امداد میری کرنے آجانا میرے آقا

روشن میری تربت کو اللہ شہا کرنا

جب نزع کا وقت آئے دیدار عطا کرنا

صَلُّوا عَلَيَّ الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

بریکی از بزرگان خراسان در خواب حکم شد کہ قوم تا تاری را بہ اسلام دعوت کن، در آن زمان تگودا رخان پسر ہلا کوخان بر سراققدار بود، آن بزرگ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ را ہی سفر شد و نزد تگودا رخان تشریف آورد. او وقتی کہ مبلغ اسلام را باریش مبارکش کہ پیکر سنت بوددید. بہ تمسخر بہ او گفت: بزرگوارا! آیا موهای ریش شما بہتر است یا دُمب سگ من؟ اگر چہ این سخن خلاف ادب و تحریک کنندہ غضب بود اما چونکہ آن شخص عالم و مبلغ بود با نہایت خونسردی و نرمی فرمود: من ہم سگ خالق و مالک خودم (اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ) ہستم اگر در جان نثاری و وفاداری برای کسب رضای او کامیاب شوم با این ریش کہ زیبائی صورتہم است از سگ شما بہترم و در غیراینصورت دمب سگ شما از من بہتر است چون فرما نبرداری و وفادار شما است. چونکہ او یک عالم و مبلغ با عمل بود از غیبت، سخن چینی، عیب جوئی، بد کلامی وغیرہ پرہیز میکر دو زبان خویش را در ذکراللہ مصروف داشت لہذا سخن نیکو و شیرینی کہ از زبان مبارکش بر آمد تأثیرش تیر درست شد و در دل تگودا رخان پیوست گردید کہ چون او در جواب خارهای زہرآلود خودش از زبان آن مبلغ با

عمل گل های مدنی خوشبو را در یافت، آب گردید وبا نرمی گفت: شما مهمان من هستید در نزد من همین جا قیام فرمائید، چنانچه آن بزرگ در پیش وی ما نندند. تگودار خان شب و روز در خدمت آن حاضر بود. آن عالم با عمل با مهر و محبت فراوان او را به سوی نیکی دعوت میداد تا اینکه سعی و تلاش پی هم و دوا مدارش در دل تگودار خان انقلاب مدنی بر پا کرد همان تگودار خانی که تا دیروز در پی از بین بردن نام اسلام از صفحه هستی بود امروز شیدا و جانفدای اسلام گردیده است، از برکات شیرین کلامی آن مبلغ با عمل، تگودار خان باتمام قوم تا تاری خود با دست مبارک همان بزرگوار مسلمان شد ندو نام اسلامی او احمد گذاشته شد - تاریخ گواه است که ببرکت سخن شیرین و نیکوی یک مبلغ در وسط آسیا سلطنت خونخوار تاتاری به حکومت اسلامی مبدل شد. رحمت الله بر او باد و بوسیله او مغفرت خدا بر ما باد.

اُمِّیْن بِجَاهِ خَاتِمِ النَّبِیِّیْنَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

زبان شیرین

برادران محبوب اسلامی: دیدید؟ دعوتگرچنین با ید بود! اگر آن بزرگ با جملات تند و فتنه انگیز تگودار با تند خوئی جواب میداد برگز این نتایج مدنی را کسب نمی کرد، لهنذا اگر کسی در مقابل ما سخنان زشت و قهر

آمیز بگوید بازهم ما زبان خود را در کنترل خود داشته باشیم کہ اگر زبان از اختیار برآید بسا اوقات کارهای خوب و خوشی ہا را بہ بدی و رنج می کشاند. ہمین شیرین زبانی بود کہ همچون تگودار خان وحشی و خونخوار و انسان بدتر از حیوان را بمقام بلند انسانیت فائز گردانید.

ہے فلاح و کامرانی نرمی و آسانی می

ہر بنا کام بگڑ جاتا ہے نادانی میں

ترجمہ: فلاح و کامیابی در نرمی و آسانی است

ہر کار خوب با جہالت و نادانی خراب می شود

یک قطعہ گوشت کوچک

برادران محبوب اسلامی: زبان اگرچہ یک قطعہ گوشت کوچکی در دہان است اما این یک نعمت بزرگ اللہ **عَزَّوَجَلَّ** می باشد، قدر این نعمت را کسی میدانند کہ لال باشد. استفادہ ای درست زبان انسان را بہ جنت داخل میکند و استفادہ ای بد آن انسان را بہ جہنم واصل می سازد اگر بدترین کافر با تصدیق دل با زبان **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ** بخواند. از تمام خرابی ہای کفر و شرک پاک میگردد ہمین کلمہ ای طیبہ کہ از زبانش بر آمدہ سبب شستشوی گناہان گذشتہ و گندہ گی ہایش می شود. بہ سبب ہمین کلمہ پاکی کہ توسط زبان گفتہ شدہ از گناہان چنان پاک و صاف می گردد ما نند آن روزی کہ یک نوزاد از ما در تولد شدہ باشد. این انقلاب عظیم مدنی کہ با تائید دل بذریعہ زبان اداء گردید بہ برکت کلمہ طیبہ بوجود آمد.

بر ہر سخن ثواب یکسال کامل

ای کاش! ما ہم روش صحیح استفادہ از زبان خویش را بدا نیم، اگر ما زبان را مطابق رضای خدا و رسولش استعمال نمائیم گویا کہ در جنت برای خود خانہ می سازیم اگر با ہمیں زبان ما تلاوت قرآن کنیم، ذکر خدا را بکنیم، درود و سلام بخوانیم، مردم را بہ نیکی دعوت دہیم **إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ** نتیجہٴ خوب آنہارا در آخرت خواهیم دید. در مکاشفۃ القلوب است: حضرت موسیٰ **عَلَيْهِ السَّلَام** در بار گاہ خدا وندی عرض کردند! ای رب کریم کسی کہ برادرش را صدا کر دو بہ نیکی امر نمود و نہی از منکر نماید مزد آن شخص چہ خواهد بود؟ فرمود: من در بدل ہر کلمہ نیک ثواب عبادت یک سال را برایش می نویسم و از سزا دا دن او در جہنم مرا حیاء می آید. (مکاشفۃ القلوب ص ۴۸ دارالکتب علمیہ بیروت)

برکات کلام شیرین عاشقان رسول

برادران محبوب اسلامی: بہ نیکی دعوت دادن و از گناہان نہی کردن و درین مورد برای کسب ثواب انفرادی تلاش کر دن، ضروری نیست کہ شخص مورد نظر از شما بپزد یر دیا نیز **إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ** در ہر دو صورت ثواب بشمامیر سد. و اگر از کوشش انفرادی شما کسی از گناہانش توبہ کر دو زندگی اش را برابر با سنت شروع نمود **إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ** شما ہم با ثواب تمام اعمال نیک او شیریک ہستید ضمناً قصہٴ یک برادر اسلامی را در مورد

کوشش انفرادی وی کہ در شهر قصور (پنجاب پاکستان) انجام دادہ سماعت فرمائید، او میگوید: من در آن روزها مصروف تعلیم دورہ متوسطہ بودم بہ نسبت کلام نا مناسب دچار انجام گناہان بودم و آنقدر از ادب و احترام فاصلہ داشتم کہ حتی در مقابل پدر کلانم سخنان بد و فریاد سر میدادم روزی یک جماعت (قافلہ) تبلیغ قرآن و سنت دعوت اسلامی کہ یک تحریک غیر سیاسی می باشد بہ مسجد محلہ ای ما آمد خواست و رضای خدا برین بود کہ من ہدایت شوم لہذا برای ملاقات عاشقان رسول بہ مسجد رفتم. یک برادر اسلامی با کوشش انفرادی خویش من را برای شرکت در درس دعوت داد، سخن شیرین او چنان بر من اثر کرد کہ کنارش نشستم، او بعد از درس با بسیار محبت و کلام شیرین بہ من گفت کہ چند روز بعد در صحرای مدینہ، مدینة الاولیاء ملتان اجتماع سہ روزہ بین شہری دا یرمیشود شما ہم شرکت بفرمائید. درس او بر من بسیار اثر کر دہ بود لہذا نتوانستم انکار کنم تا آنکہ در اجتماع بزرگ صحرای مدینہ ملتان حاضر شدم. روش نیک و برکات آنجا را دیدم حیران ما ندم آخرین بیان در مورد سزای موسیقی و سرود ہای مبتزل را کہ شنیدم جانم بہ لرزہ در آمد و اشک از چشمانم جاری شد. بحمد اللہ از گناہان توبہ کر دم و بہ ما حول مدنی دعوت اسلامی پیوستم از وابستگی ام بہ دعوت اسلامی خانوادہ و فامیل من نفس راحت و با اطمینان کشیدند. با برکت ماحول مدنی دعوت اسلامی در وجود ہمچو من جوان نالایق انقلاب مدنی بر پا گر دید و چنان مؤثر واقع شد کہ برادر بزرگترم نیز با گذاشتن ریش مبارک و عمامہ بر سر بستن مزین گردید. من یک خواہر دارم کہ **اَلْحَمْدُ لِلّٰہِ عَزَّوَجَلَّ** او

ہم بُرقع بر سر کرد و پوشش کامل دعوتِ اسلامی را بر خود لازم دانستہ تمام اعضای خانوادہٴ ما بہ طریقتِ قادریہ رضویہ وابستہ شد ندو مرید سیدنا غوثِ اعظم حضرت شیخ عبدالقادر جیلانی رَحْمَةُ اللهِ تَعَالَى عَلَيْهِ مِی باشند و سخنان نیک و شیرین و کوششِ انفرادی آن برادرِ مُحسِنِ اسلامی باعث شد کہ سعادتِ حفظِ قرآنِ نصیبِ من گردید و اکنون مصروفِ تحصیلِ درسِ نظامی ہستم و در اثنای بیانِ این سرگذشتِ بہ درجہٴ ثالثہ یعنی کلاسِ سومِ مصروفِ درسِ می با شم ا کہ اَلْحَمْدُ لِلّٰہِ عَزَّوَجَلَّ در سلسلہٴ انجامِ کارهایِ مدنیِ دعوتِ اسلامیِ مسئولِ قافلہٴ هایِ منطقویِ ہستم۔ ارادہ کردہ ام کہ اِنْ شَاءَ اللّٰہُ عَزَّوَجَلَّ از شعبانِ المعظمِ سنہ ۱۴۲۷ هـ ق یکبار ب مدتِ یکسال ۱۲ ماہ در قافلہٴ هایِ مدنیِ سفر نمایم۔

دل پہ گرزنگ ہو، گھر کا گھرتنگ ہو،
ہو گاسب کا بھلا، قافلے میں چلو
ایسا فیضان ہو، حفظِ قرآن ہو،
کر کے بہت ذرا، قافلے میں چلو

صَلُّوْا عَلَی الْحَبِیْبِ صَلَّى اللّٰہُ عَلَیْ مُحَمَّدٍ

بشارتِ مغفرت

با این زبانِ تلاوتِ قرآنِ پاک را نمودہ و ذخایرِ ثواب را بدست آرید۔

در روحِ بیانِ این حدیثِ قدسی است کہ ؛ ہر کسی یکبار بِسْمِ اللّٰہِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

را با سورہٴ حمد تا آخر سورہ بخواند شما گواہ با شید کہ من اورا

بخشیدم، تمام نیکی ہایش را قبول فرمودم و گناہانش را معاف کردم و زبان

او را ہر گرمی سوزم و او را از عذاب قبر، عذاب جہنم، عذاب قیامت و وحشت بزرگ نجات میدہم. (روح البیان ج ۱ ص ۹ دار احیاء التراث العربی بیروت) طریقہ خواندن را سماعت فرمائید؛ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ۔ سورہ راتکمیل نمائید.

عمل بدست آوردن حوران بہشتی

برادان محبوب اسلامی: کمی زبان را پچر خانید **أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الْعَظِیْمَ** بگوئید و حوران بہشتی را بدست آرید چنانچہ در روض الریاحین است کہ: بزرگی تا چہل سال خدا را عبادت نمود، یکبار دعا کرد یا اللہ رحمت ہایت را کہ می خواهی در جنت بمن عطا فرمائی یک نمونہ از آنرا در دنیا بہ من نشان بدہ هنوز دعا جریان داشت کہ ناگہان محراب شق شد و از آن یک حور حسینہ وزیبا نما بان شد و گفت بہ شما در جنت ۱۰۰ حور دیگر مثل من عنایت میگردد کہ با ہریکی ۱۰۰ کنیز خدمت گزار و بر ہر کنیز ۱۰۰ ناظمہ یعنی برقرار کنندہ انتظام می باشند آن بزرگ وقتی این حال را دید از خوشحالی زیاد بر خود فخر کرد و با خود گفت آیا کسی را در جنت از من آسایش بیشتر خواهد رسید، جواب آمد کہ اینقدر فقط تنہابہ یک بہشتی عادی میرسد کہ صبح وشام **أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الْعَظِیْمَ** می خواند.

(رَوْضُ الرِّیَاحِیْنِ ص ۵۵ دارالکتب العلمیہ بیروت)

دیوانہ شو

این زبان را همیشه با ذکر الله عَزَّوَجَلَّ مصروف نمائید تا ثواب را برست
آرید ارشاد گرامی سردار مدینه، آرام قلب و سینه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است: در ذکر
الله عَزَّوَجَلَّ چنان مصروف باشید که مردم ترا دیوانه پندارند.

(الْمُسْتَذْرَكُ لِلْحَاكِمِ ج ۲ ص ۱۷۳ حدیث ۱۸۸۲ دارالمعرفة بیروت)

در یک حدیث دیگری فرمان مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است که: خدا
را چنان به کثرت ذکر کن که منافقین ترا ریا کار بگویند.

(الْمُعْجَمُ الْكَبِيرُ لِلظَّهْرَانِيِّ ج ۱۲ ص ۱۳۱ حدیث ۱۲۷۸۶ داراحیاء التراث العربی بیروت)

درخت غرس میکنم

سید و آقای ما صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با ابوهریره رَضِيَ اللهُ عَنْهُ چگونه با زبان
شیرین و با محبت ابرازسخن میفرمودند. شما هم گوش کنید ولذت ببرید
چنانچه در روایت ابن ماجه آمده است که. یکبار تاجدار مدینه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
جای تشریف می بردند حضرت ابوهریره رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را ملاحظه فرمودند که یک
نہال می نشاند. استفسار فرمودند چه کار میکنی؟ عرض کرد. درخت می
نشانم، فرمودند بهترین روش درخت نشاندن را برایت بگویم! از خواندن
سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ در عوض هرکلمه آن یک درخت

در بهشت غرس می شود. (سنن ابن ماجه ج ۴ ص ۲۵۲ حدیث ۳۸۰۷)

برادران محبوب اسلامی: درین حدیث شریف چہار کلمہ ارشاد گردیدہ است (1) **سُبْحَانَ اللَّهِ** (2) **الْحَمْدُ لِلَّهِ** (3) **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** (4) **اللَّهُ أَكْبَرُ**. این چہار کلمات را بخوانید در جنت چہار درخت را می نشانید و اگر کم بخوانید کمتر. مثلاً اگر سبحان الله گفتید یک درخت بہ ہمین ترتیب این کلمات را بخوانید و خوب نہال بنشانید.

عمر ضایع مکن در گفتگو ذکر او کن ذکر او کن

گناہ ہشتاد سالہ معاف

ہمین طور یک استفادہ از زبان این ہم است کہ درود و سلام بخوانید و گناہ بہ ہمان تناسب بخشیدہ می شوند چنانہ در دُرْمُخْتار است ”کسی کہ بر سید البشر **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ** یک درود بفرستد و مورد قبولیت حق قرار گیرد گناہ ہشتاد سالہ او پاک می شوند“. (ذُرْمُخْتار ج ۲ ص ۲۸۴ دارالمعرفۃ بیروت)

گفتن ”آغازید بِسْمِ اللَّهِ“ ممنوع است

بعضی مردم این طور میگویند: ”بِسْمِ اللَّهِ کنید، بیا! بِسْمِ اللَّهِ، بلی بِسْمِ اللَّهِ، من بِسْمِ اللَّهِ، کردم اندا ختم، تاجدان محترم اولین سودا را کہ می کنند یعنی اولین فروش را بطور عموم دستلاف میگویند. اما بعضی ہا آنرا بِسْمِ اللَّهِ ہم می گویند، مثلاً من کہ امروز تا حالا بِسْمِ اللَّهِ نکرده ام. این جملات اشتباہ اند. بہ ہمین ترتیب اگر کسی در وقت غذا خوردن می آید اکثر کسانی کہ مصروف غذا خوردن ہستند می گویند؛ بیائید؛ شما ہم بخورید

عموماً جواب میرسد؛ بِسْمِ اللّٰہ، یا اینگونه میگویند. بِسْمِ اللّٰہ کنید؛ در صفحه ۲۲ قسمت ۱۶ بہار شریعت مطبوعہ مکتبۃ المدینہ درین اوقات اینگونه بِسْمِ اللّٰہ گفتن را علماء بسیار با جدیت ممنوع قرار دادہ اند، بلی! اینطور می توانید بگوئید، بِسْمِ اللّٰہ بخوانید و بخورید، بلکہ در چنین موقعیت گفتن الفاظ دعائیہ بہتر است؛ مثلاً؛ **بَارَكَ اللهُ لَنَا وَلَكُمْ** یعنی اللّٰہ عَزَّوَجَلَّ برای من و برای شما برکت دہد یا بزبان مادری خود بگوئید؛ خدا برکت بدهد.

بِسْمِ اللّٰہ خواندن کے کفر است

قبل از کار حرام و ناجائز بِسْمِ اللّٰہ شریف ہرگز خواندہ نشود، قبل از فعل حرام قطعی بِسْمِ اللّٰہ گفتن کفر است چنانچہ در فتاویٰ عالمگیری است کہ درہنگام شراب خوردن، زنا کردن و قمارزدن بِسْمِ اللّٰہ گفتن کفر است. (فتاویٰ عالمگیری ج ۲ ص ۲۷۳)

چه وقت ذکر اللّٰہ عَزَّوَجَلَّ گناہ ہست؟

باید دانست کہ با زبان ذکر و درود گفتن ہم با عث اجر و ثواب است و ہم بعضی اوقات ممنوع می باشد مثلاً در صفحه ۵۳۳ ج اول بہار شریعت مطبوعہ مکتبۃ المدینہ تحریر گردیدہ کہ برای جلب مشتری ہنگام نشان دادن اجناس تاجر باگفتن درود تسبیح بخواید جنس خود را اصلی نمایان کند ناجائز است ہم چنین شخص بزرگی را دیدہ بہ این نیت درود شریف

بخواند تا از آمدن او با خبر شوند و برایش جاخالی کنند و به تعظیم او از جای خویش بلند شوند لہذا درود خواندن نا جائز است.

(رَدُّ الْمُحْتَرَج ۲ ص ۲۸۱ دار المعرفۃ بیروت)

برادران عزیز اسلامی! بخاطر اینکه ریا نشود اکثر برادران اسلامی را یاد آوری شوم کہ هنگام آمدن من صدای اللہ اللہ بلند نکنند چرا کہ در اینجا اللہ اللہ گفتن ذکر نبوده بلکہ نجا طر استقبال است.

شعلہ برنج یا (کتہ را حلیم گفتن)

برادران محبوب اسلامی؛ یکی از اسم های صفاتی اللہ **عَزَّوَجَلَّ** حلیم هم می باشد لہذا چیز خوردنی را حلیم گفتن گر چه جائز هم است اما از نظر من (سگ مدینہ) مناسب نیست این غذا را بہ زبان اردو کتہ ہم میگویند لہذا حتّٰی الامکان من ہمین لفظ را مناسب می دانم چنانچہ در تذکرۃ الاولیاء است کہ؛ حضرت بایزید بسطامی قدس سرہ السامی بسطامی **رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلَيْهِ** یکبار سیب سرخ رنگی را در دست داشته گفت این بسیار لطیف است "از غیب آواز آمد" نام من بر سیب گفتی حیا نکردی! اللہ **عَزَّوَجَلَّ** تا چہل روز یا د ش را از قلب او بیرون ساخت لہذا او قسم یاد کرد کہ دیگر بعد از این میوہ شہر بسطام را نخواہم خورد. (تذکرۃ الاولیاء ص ۱۳۴) پس ملاحظہ کردید کہ معنی لفظی لطیف ظریف ہم می باشد اما چونکہ لطیف اسم صفاتی اللہ **عَزَّوَجَلَّ** است لہذا سیدنا با یزید بسطامی **رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلَيْهِ** را تنبیہ نمود.

ثواب صد هزار برابر

برادران اسلامی؛ واقعاً اگر ما از زبان خود استفاده درست بکنیم زخیره نیکی ها را کما هی خواهیم کرد در حدیث شریف آمده که برای ذکر کننده نام خدا که در بازار مصروف کاروبار باشد در بدل ہر تار مویش در روز قیامت نوری شود. (شُعَبُ الْإِيمَانِ لِابْنِ أَبِي هَاشِمٍ ج ۱ ص ۱۲۴ حدیث ۵۶۷ دارالکتب العلمیۃ بیروت)

بخاطر باید داشت کہ! تلاوت قرآن، حمد و ثنا، مناجات و دعا، درود و سلام، نعت، خطبہ، درس، بیان مملواز سنت ها وغیرہ تما ماً در ذکر خدا شامل است، لہذا ہر برادر اسلامی باید روزانہ کم از کم ۱۲ دقیقہ در بازار درس فضایل سنت را بدہد، ہر قدر بیشتر درس دہد بہمان اندازہ اِنْ شَاءَ اللہ بہ او ثواب ذکر اللہ در بازار میرسد.

صَلُّوْا عَلَی الْحَبِیْبِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْ مُحَمَّدٍ

فضیلت حاجت روائی و بیمار پرسی

سُبْحَانَ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ! چقدر خوش نصیب است آن برادر اسلامی و خواہر اسلامی کہ زبانش را در دعوت نیکی، بیان سنت ها و ذکر و درود مصرف نماید، مسلمانی را حاجت روائی کردن کار ثواب است. همچنان بیمار یا پریشان حالی را تسلی دا دن نیز- استفاده اعظم زبان است.

ثواب عظیم الشان عیادت

شہنشاہ مدینہ، قرار قلب وسینہ، فیض گنجینہ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

فرمودند: کسی کہ برای حاجت روائی یک برادر مسلمان خود می‌رود خداوند توسط ہفتا دو پنج ہزار ملائکہ بر او سایہ می‌افکند ہمہ فرشتہ ہا برای او دعا میکنند و او تا زمانی کہ نزد آن حاجتمند حضور دا رد در رحمت الہی قرار دار دو ہنگامی کہ از آنجا فارغ میگردد خداوند برا و ثواب یک حج و یک عمرہ رامی نویسد و کسی کہ بہ عیادت مریضی می‌رود خداوند با زہم توسط ہفتاد و پنج ہزار فرشتہ بر او سایہ می‌فرماید و در ہر قدم آن کہ تا خانہ میرسد بر او یک نیکی نوشتہ میشود و یک گناہ معاف میگردد و ویک درجہ بر مقامش افزودہ میشود. تازمانی کہ در کنار مریض نشستہ است تحت رحمت الہی قرار دار دو تا بخانہ میرسد غرق در رحمت خدا می باشد. (الترغیب والترہیب حدیث ۱۳، ج ۴، ص ۱۶۵) وقتی بچہ ای کسی مریض می شود، کسی قر ضدا رو بی روز گاری شود. مال و دارائی کسی را بہ تاراج ببرند، در مال کسی ضرر و نقصان بشود و بہ انواع مشکلات دیگر دچار شود. برای دلجوئی از خود ہمد ردی ظاہر کردن و او را تسلی دا دن اجر و ثواب بسیار دارد.

دو دست لباس جنتی

از سیدنا جابر رضی الله عنه روایت است که محبوب رب اکبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: کسی که غمزده ای را تعزیت بگوید خداوند او را لباس تقوای پو شاند و در میان او روح بر روح او رحمت میفرماید و نیز در عوض تعزیت کسی که غمزده باشد خداوند از لباس های بهشتی دو دست لباس چنان قیمتی و گران بها به تعزیت کننده می پو شاند که قیمت آن از دنیا و ما فیها بیشتری باشد. (الْمُعْجَمُ الْأَوْسَطُ لِلطَّبْرَانِيِّ ج ۶ ص ۴۲۹ حدیث ۹۲۹۲ دارالفکر بیروت)

زبان هم مفید است وهم مضر

الْحَدِيثُ لِلَّهِ زبان را بصورت صحیح استعمال کردن دارای فواید بی شماری است و اگر همین زبان خلاف رضای خدای رحمن استعمال گردد سبب آفت بزرگی می شود. از صحابی مشهور سیدنا عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که حضرت مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: بیشتر خطیای انسان توسط زبان نی شود. (شُعَبُ الْأَيْمَانِ ج ۴ ص ۲۴۰ حدیث ۴۹۳۳)

هر روز صبح تمام اعضای بدن، زبان را خوش

آمدید میگویند

از حضرت سیدنا ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت است که؛ وقتی انسان شب را صبح میکند تمام اعضای بدن او زبان را خوش آمدید

میگویند، چنان میگویند کہ در مورد ما از خدا بترس چراکہ ما باتو وابستہ ایم اگر تو راست باشی ما ہم راست ہستیم واگر تو کج شدی ما ہم کج می شویم. (سنن الترمذی ج ۴ ص ۱۸۳ حدیث ۲۴۱۵ دارالفکر بیروت)

حکیم الامت مفتی احمد یار خان رحمۃ اللہ علیہ تحت این حدیث پاک می فرمایند: در نفع و نقصان، راحت و آرام، زحمت و رنج ها، ای زبان! ما بہ تو وابستہ ایم اگر تو خراب باشی ما ذلیل می شویم واگر تو درست باشی ما عزیز خواهیم بود، متوجہ باشید کہ زبان ترجمان دل است خوبی و بدی او گواہی از خوبی و بدی دل می باشد. (مراۃ ج ۶ ص ۴۶۵)

آفات بی توجہی زبان؛

برادران محبوب اسلامی! واقعاً اگر زبان خوب نباشد بعضی اوقات فساد برپا می شود با ہمین زبان اگر مردزن منکوحہ خود را بگوید طلاق، طلاق طلاق بر او حرام می شود. باہمین زبان اگر کسی را بہ قہر و غضب بیاوری اکثر اوقات منجر بہ قتل و غارتگری میگردد. با ہمین زبان اگر دل یک مسلمانی را آزردہ کنی یقیناً گنہگار و مستحق جہنم خواهی شد. در روایتی از طبرانی است؛ ارشاد آنحضرت صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم است کہ: اگر کسی بدون دلیل شرعی دیگری را اذیت کند او مرا اذیت کرد کسی کہ من را اذیت و ناراض کند خدا را ناراض کرد. (المنجم الأوسط ج ۲ ص ۳۸۶ حدیث ۳۶۰۷)

خوشی و ناخوشی دائمی

حضرت سیدنا بلال بن حارث رضی اللہ عنہ روایت میکنند؛ سلطان دو جهان، رحمت عالمیان صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ میفرمایند: ہر شخص کہ سخن نیک میگوید آخرش را نمیداند بہ سبب آن برایش رضای الہی تا آن روز نوشتہ می شود تا بہ او می رسد و شخصی سخن بد می گوید کہ انتہا یش رانمی داند بناءً خداوند عدم رضا یتش را تا آن روز می نویسد کہ او را می رسد۔

(مشکاۃ المصابیح، ج ۲ ص ۱۹۳ حدیث ۴۸۳۳، سنن الترمذی ج ۴ ص ۱۴۳ حدیث ۲۳۲۶)

مفسر، مشہور حکیم الامت حضرت مفتی احمد یار خان رحمۃ اللہ علیہ تحت این حدیث پاک می فرمایند: بعضی اوقات انسان چنان سخن بد می گوید کہ پروردگار عالم برای ہمیشہ از او ناراض میگردد لہذا انسان باید ہمیشہ سنجیدہ سخن گوید۔ حضرت سیدنا علقمہ رضی اللہ عنہ می فرمودند کہ: در بسیاری از گفتہ ہا یم حدیث حضرت بلال بن حارث رضی اللہ عنہ بیادم می آید کہ مانع از گفتہ ہایم میگردد ومن خاموش می شوم۔ (مرآة ج ۶ ص ۴۶۲)

برادران محبوب اسلامی! سخنان نا سنجیدہ حامل نتایج خطرناکی خواہد بود و باعث ناراضی بودن ہمیشگی اللہ عَزَّوَجَلَّ میگردد حقیقتاً رستگاری در قفل مدینہ بہ زبان است۔ برای عادت شدن بہ خاموشی بعضی گفتہ ہا را بنویسید یا اشارتاً اگر بگوئید بسیار مفید است چراکہ در پرگوئی ہم خطا زیاد است و ہم راز فاش می شود از غیبت، عیب جوئی و گناہان امثال آن و کلمات کفریہ پرہیز باید کرد کہ این ثمرہ ای خاموشی است۔

(انجام سختی دل)

خداوند بر مارجم فرماید و زبان را لگام نصیب فرماید کہ اگر زبان از ذکر غافل شد با کلمات ناجائز لہو و لعب دل را ہم سخت میگرداند. نبی مکی مدنی و محبوب رب العالمین می فرماید: فحاشی از سخت دلی می شود و سخت دل در جہنم است. (سُنَنِ الرَّیْذِيِّ ج ۳ ص ۴۰۶ حدیث ۲۰۱۶)

مفسر مشہور حکیم الامت حضرت مفتی احمد یار خان تحت این حدیث می فرماید: شخصی کہ بی توجہ با شد و ہر کلام بدونا مناسب را بزبان بیاورد و بی ادبانہ بگوید بدانید کہ بسیار سخت دل است و از حیا خالی میباشد. سختی مانند درختی است کہ ریشہ اش در دل انسان و شاخہ ہایش در دوزخ ہستند. پس انجام چنین اشخاص چنان است کہ در حضور رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ہم بی ادبی نمودہ کافر می شوند.

(مرآة ج ۶ ص ۶۴۱)

زبان بریدہ شد!

برادران ار جمند اسلامی: واقعاً سخن گفتن بسیار سبب خطرات زیادی است بسا اوقات انسان از گفتار لہو و فضول بہ کفر میرسد. کاش! ما قبل از گفتار متوجہ بہ چگونگی کلمات ارائه کنندہ باشیم و کلام خود را باید وزن کنیم بعد بیان نمائیم و بد اینم کہ از این کلمات در آخرت فائیدہ میبریم یا خیر! بجای گفتن سخنان بی فائدہ آنقدر زیاد درود شریف

بخوانیم تا در آخرت از آن بهره ای عظیم برداریم. در اسرار الاولیاء است کہ یکبار از زبان سیدنا حاتم اصم رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ یک کلمہ ای بی معنی بیرون شد آن بزرگوار پشیمان شد و آنقدر بیقرار و مدہوش گردید کہ زبان را با دندان چنان فشار داد کہ خون جاری شد و در کفارہٗ همان یک جملہ تا بیست سال بدون ضرورت با کسی صحبت نفرمود، رحمت خدا برا و باد و بخاطر عزت او مغفرت خدا بر ما باد.

(اسرار الاولیاء ص ۳۳ مُلَخَّصاً شہیر برادرز مرکز الاولیاء لاہور)

اللہ عزوجل کی اُن پر رحمت ہو اور ان کے صدقے ہماری مغفرت ہو۔

اٰمِیْن بِجَاہِ خَاتِمِ النَّبِیِّیْنَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

اگر از دہان سخن بی فائدہ برآید پس چہ باید کرد؟

برادران اندیشمند اسلامی: ملاحظہ فرمودید کہ حضرت سیدنا حاتم اصم رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ بخاطر یک کلمہ بیہودہ از حالت طبیعی خود بیہوش شدہ زبانش را با دندان برید پس از این باید درس گرفتہ شود کہ ہمیشہ در ہوش با شیم و خود را آزار دادن در شریعت اجازہ نیست لہذا در واقعات بزرگان دین کہ خود را زخمی نمودہ اند چنین تاویل می شود کہ ایشان در عالم بی خودی چنان کردند کہ در زمان ہوشیاری کسی این عمل را انجام نخواستہ داد. البتہ این عمل تنبیہی آن بزرگواران بود، کاش! ما بتوانیم درہنگام اشتباہ سخن خویش بطور کفارہ ۱۲ بار اللہ اللہ بگوئیم یا یکبار. درود شریف بخوانیم، شاید از چنین عملی شیطان از مادست بردار شود کہ مبادا ایشان مصروف ذکر و درود خواندن شوند کہ سبب پریشانی من گردد،

بلی! در منهاج العابدین حکایت است که برای راندن شیطان ذکر الله عَزَّوَجَلَّ چنان مؤثر است که مرض (آكله) چگونه گوشت و پوست انسان را از بین می برد. (منهاج العابدین ص ۴۶ دارالکتب العلمیة بیروت)

چهارده ۱۴ مثال سخنان بیهوده

افسوس صد افسوس که امروز سخنان خوب و نیک بسیار کم است، بسا اوقات شخصی که خوب به نظر می آید متأسفانه بجای سخنان نیک از او کلمات بیهوده به نظر میرسد. کاش! ما بخاطر ربّ کائینات مردم را ملاقات کنیم فقط ضروریات خود را در میان بگذاریم. بخاطر باید داشت که در سخنان بی فائده مصروف شدن و یا در گفتگوی مفید الفاظ بدون ضرورت را اضافه کردن حرام یا گناه نیست اما ترک دا دن آن بهتر است. (اخیاء العلوم ج ۳ ص ۱۴۳ دار صادر بیروت) اگر سخنان بیهوده بکرات گفته شوند در سخنان الوده با گناه آمیخته خواهد شد لهذا در خا موشی بهتری است. در معاشره امروزی ما سوالات بدون ضرورت طوری زیاد است که شنونده از آن شرمند می شود. و اگر در جواب آن احتیاط نشود به دروغ گوئی گرفتار خواهد شد گاهی اینگونه سوالات ضروری هم می شوند اگر اینگونه باشد بیهوده نیست. پس مثال اینگونه سوالات در پیش روی قرا ر دارد اگر ضرورت با شد مانعی نیست و اگر بدون آن کار انجام میشود پس مسلمانان را از شرمندگی و یا احتمال گناه نجات دهید. مثلاً (۱) بلی برادر: چه میشود (۲) دوست؛ امروز دعا نمی کنند (۳) برادر نا راحتی برای چه؟ (۴) دوست معلوم است که پسند شما نبود (۵) این ما شین را چند

خریدی؟ (۶) چہ مدلی هست (۷) در منطقہ شما قیمت خانہ چنداست (۸) دوست: گرانی خیلی زیاد شدہ (۹) فلان جا موسم چطور است (۱۰) اُف چقدر گرم است (۱۱) امروز بسیار سردی خشک است (۱۲) معلوم نیست این بارش می ایستد یا نہ (۱۳) اندکی بارش آمد برق رفت (۱۴) جای شما برق بود یا نہ؟ وغیرہ وغیرہ.... عموماً کلمات مذکور بہ ہمین ترتیب جملات زیادی کہ احتیاجی بہ آنها نیست گفتہ می شوند. ما باید گویندہ ای چنین جملات سوء ظن ندا شتہ با شیم بلکہ از حسن ظن کار گرفتہ شود بہتر است اگر بعضی کلمات در نظر ما بیہودہ باشد ممکن است گویندہ مطلبی داشتہ باشد کہ ما از آن اطلاعی نداریم، بالفرض اگر آن جملہ در نظر ما بیہودہ ہم باشد با زہم گویندہ اش گنہگار نیست.

۱۳ سیزدہ مثال از سوالات اضافی از حد ضرورت از

حجاج بر گشتہ از حج

اکثر دوستان انواع سوالات غیر ضروری را از حجاجی کہ از سفر مکہ و مدینہ بر گشتہ اند می پرسند کہ در اینجا ۱۳ مثال آنرا ملاحظہ می فرمائید: (۱) در سفر تکلیف کہ نشدید؟ (۲) شلوغ یا (از دحام) زیادہ بود (۳) گرانی کہ بنود؟ (۴) اطاق خوب رسید یا نہ (۵) خانہ از حرم دور بود یا نزدیک (۶) ہوای آنجا چگونه بود؟ (۷) گرمی کہ بسیار نبود؟ (۸) روز چند بار طواف می کردی (۹) چند عمرہ کردی؟ (۱۰) در مکہ برایم خوب دعا کردی یا نہ؟ (۱۱) در منا خیمہ شما بہ جمرات نزدیک بود یا دور؟

(۱۲) در مدینه چند روز بودید؟ (۱۳) در مدینه نام را گرفتی و سلام رارساندی یا نه؟ مثالهای فوق که گفته شد اگر چه ناجائز نیستند تا قبل از پرسیدن بر جوا بهای آن توجه داده شود. چیزی که لازم نبود پرسید چرا که بعضی سوالات حاجی را شرمنده میکنند، بعضی در تردید می اندازند و در بعضی سوالات اگر در جواب احتیاط نشود ممکن است به سبب دروغی به گناه آلوده شود، لهذا یک سکوت هزار خوشی را به ار مغان می آورد.

چهار مثال سخنان بیهوده و پراز گناهان

بعضی آدمهای پر گپ بدون تفکر از گفتن جملات آلوده از گناهان و تهمت ها نیز کوتاهی نمی کنند اکنون به چهار مثال آن توجه کنید:

(۱) تمام قوم ویا تمام قریه ای ما گمراه شده اند به استثنای خودم که سالم مانده ام (حالا نکه عموماً چنین نخواهند بود، بزرگان، زنان و بچه ها اکثر محفوظ هستند) (۲) تمام افسران ما رشوت خوراند. (۳) کارمندان اداره برق همه بد معاش هستند (۴) دستگاه دولتی همه یعنی کارمندان دولت همه دزداند وغیره.

۱۹ مثال از سوالات بیهوده در مورد عید قربان

در موقع عید قربان مثال های سوالات بی فایده ای را ملاحظه فرمائید: (۱) بلی! خرید گاو چه وقت میرویم؟ (۲) درین روزها میدان مال بسیار گرم است (۳) بلی برادر! گاورا چقدر آوردی؟ (۴) دوست! گاوی بسیار قوی است (۵) چند ساله است؟ (۶) جنگی نیست؟ (۷) پیاده آوردی یا در

سوزوکی؟ (۸) را نندہ سوزوکی چند کرایہ گرفت؟ (۹) چه وقت میکشی؟
 (۱۰) قصاب سر وقت آمدیانه؟ (۱۱) قصاب کارد را آوردو رفت بعد دیر تر
 آمد؟ (۱۲) بلی دوست! قصاب در انتظار میگذارد (۱۳) گاو فلانی از دست
 قصاب خلاص شد فرار کرد بسیار مزه دار بود (۱۴) بلی دوست! قصاب
 تجربه نداشت (درین جمله غیبت، تهمت، دل آزاری، بدگمانی، و گناہان
 دیگر ملاحظہ میشود و اگر واقعاً قصاب همین گونه بود کہ برای نجات آن
 گفته شود اشکالی ندارد) گو سفند شما بہ دندان چنداست (یعنی چندسالہ
 است) (۱۶) چند خریدی؟ (۱۷) وای! خیل گران خریدی (۱۸) می تواند راه
 برود یا نہ؟ (۱۹) مزد تکه کر دن چند شد؟ وغیرہ.

پنج مثال در مورد سخنان بیہودہ گفتن در تلفن

در تلیفون نیز اکثر سوالات غیر ضروری را می پرسند کہ پنج مثال
 را خدمت شما تقدیم می نمایم: (۱) چه کار میکنی؟ (۲) کجائی (۳) وقتی در
 ماشین نشسته ای اگر زنگ تلفن بیاید طرف مقابل می پرسد کہ الآن کنار
 شما کی است (۴) از کجا میگذری (۵) تا کجا رسیدہ ای وغیرہ. بلی! آنچه
 ضروری باشد اگر پرسیدہ شود ایرادی ندارد. اما متأسفانہ بعضی سوالات
 انسان را مجبور بہ دروغ گفتن می کند مثلاً ممکن است سوالات ۲.۱ و ۳
 را درست نتواند جواب دہد چرا کہ او نمی خواہد کسی بداند و چه کار
 میکند، یا کجا ہست یا کجا رآن چه کسی نشسته است. لہذا بہتر است

که هر کار حسب ضرورت انجام شود تا در هر دو جهان سبب کامیابی گردد.

خطر ناگترین ابوالفضول

بعضی مردم افکار عجیبی دارند بعد از چند جمله حتماً از طرف مقابل خود می‌خواهند تا سخنان شانرا تأیید نمایند. (۱) بلی! برادر چه فکر میکنی؟ (۲) نتیجه گفته‌ها یم را فهمیدی؟ (البته حسب ضرورت پرسیدن بزرگان از زیر دستان ویا استاد از شاگردانش گاهی مفید هم میشد تا اینکه اگر کسی متوجه نشده باشد او را متوجه گرداند. در چنین موقعیتی در صورت نفهمیدن مخاطب نباید به دروغ بگوید بلی یا خیر. (۳) چرا برادر: درست است یا نه! (۴) من اشتباهه که نگفتم! (۵) نظر شما چیست؟ حال اگر سخن صد در صد قابل قبول هم نباشد مگر با زهم مجبوراً سخن را پذیرفته بارها با فیصله‌های دروغین گناه را کسب‌خواهی کرد. اگر اینگونه اشخاص را نتوانیم اصلاح سازیم پس لازم است تا از ایشان فاصله بگیریم تا با عدم تأیید سخنان آنها از گناهان نجات یابیم واصل جهنم نشویم. تا اینجایده شد که اینگونه مردمان دروغگو با گفتار و کردار گمراهانه یا معاذلله با کلمات کفریه‌ای شان که عادت نموده‌اند باتأیید نمودن، بلی، درست می‌گوئید و غیره بعضی اوقات مخاطبین خود را نیز بجای میرسانند که ایمان آنها هم بر باد فنا خواهد رفت چراکه در صورت هوش و حواس تأیید کفر هم کفر است،

العیاض باللہ عَزَّوَجَلَّ ای کاش! بدون ضرورت چیزی نگوئیم. ای اللہ بر زبان قفل مدینہ عطا فرما!

اے کاش! ضرورت کے سوا کچھ بھی نہ بولوں

اللہ زباں کا ہو عطا قفل مدینہ

تعریف سخن فضول یا (اضافی)

در فن سخنوری جای کہ از یک لفظ کار ساخته می شود اگر در آنجا تکراراً لفظ دومی را اضافه کر دید این لفظ دوم فضول است، چنانچه حجة الاسلام حضرت محمد بن محمد غزالی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در کتاب احیاء العلوم می فرمایند: اگر از گفتن یک کلمه مطلب گوینده بر آورده شود و او دو کلمه بگوید، کلمه دوم فضول یعنی از ضرورت اضافه است و کلمه ای که اضافه است بیبوده می باشد. (أحیاء العلوم ج ۳ ص ۱۴۱)

در صورتیکه از یک لفظ حاجت بر آورده نشود پس دو یا بیشتر حسب ضرورت الفاظی که گفته شوند فضول نمی باشند بهر حال سخن فضول به کلامی گفته می شود که بی فایده باشد چنانچه در وقت ضرورت، حاجت یا منفعت درین هر حالت سخنی که گفته شود فضول نمی باشد و در بعضی اوقات بخاطر زیبایی کلام اگر الفاظ تکرار شوند فضول یا بی فایده نخواهند بود مثلاً؛ در اشعار، بیان یا یک مضمون برای تحسین کلام حسب ضرورت از مقفی و مُسَجَّع یعنی در الفاظ قافیہ دار استفاده می شوند این ہم

فضول گفته نمی شود. گاهی برای تفهیم مخاطب مطابق با درک و فهم آن کمی و بیشی در کلمات صورت خواهد گرفت که این هم بیهوده نخواهد بود. انسانها از نظر پوش به سه دسته تقسیم می شوند. (۱) تیز پوشان (۲) متوسط یعنی پوش در میانه دارند (۳) غبی یا کند ذهن، آنهای که تیز پوش اند با اشاره ای یک کلمه تا آخر کلام نتیجه را می گیرند. در حالیکه اشخاص متوسط را بدون خلاصه کلام فهماندن مشکل است، اما کندذهن را اگر ده با رمطبی را برایش توضیح بدهی باز هم کم می آورد یعنی درست متوجه نمی شود. برابر با این درجه بندی مخاطبین، باز هم توجه با ید داشت که؛ کسی که با گفتن یک کلمه موضوع را درک کرد اگر در این مورد به او کلمه دوم گفته شود پس کلمه دوم برای او فضول یا بیهوده است همچنین شخص درجه دوم یعنی متوسط اگر دو از ده کلمه را فهمید با وجود فهم او اگر کلمه سیزدهم یا بیشتر از آن به او گفته شود این هم فضول است. حال رسید نوبت کند ذهن که اگر کمتر از ۱۰۰ صد کلمه در ذهن او جای گزین نمی شود پس این صد کلمه چونکه بر حسب ضرورت گفته شد لهذا فضول گوئی نمی باشد. بهر حال؛ در همان تعداد کلماتی که مطلب بر آورده شود اگر یک لفظ هم بیشتر از آن گفته شود فضول است بلی! کلامی که جائز اما بی فایده است اگر یک لفظ آن هم گفته شود فضول می باشد. و اگر چیزی ناجائز است پس یک لفظ آن هم گفته شود ناجائز و گناه می باشد.

کسی کہ بہ خدا و آخرت ایمان دارد

از شنیدن این عبارت چنین نتیجہ بدست می آید کہ نجات از سخنان بیہودہ (فضول) مشکل است باز ہم نا امید نباشیم، سعی و تلاش را از دست ندهیم زبان را بہ قفل مدینہ عادت دہیم و خاموش باشیم بعضی اوقات بہ اشارہ و یا تحریر مطلب را بدیگران برسانیم مقولہ ای است کہ؛ **السُّعَىٰ مِنِّي وَالْإِثْمَامُ مِنَ اللَّهِ** کوشش کار من و رساندن کار خدا است، برای عادت بہ خاموشی حدیث شریف بخاری را بخاطر داشته باشید **إِنَّ هَذَا اللَّهُ** ہر مشکل آسان می شود. سلطان مدینہ، سردار دو جہان رحمت عالمیان **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ** می فرمایند؛ کسی کہ بہ خدا و آخرت ایمان دارد لازمست کہ او یا سخن نیکو گوید یا خاموش باشد.

(صَحِيحُ الْبُخَارِيِّ ج ٤ ص ١٠٥ حَدِيثُ ٦٠١٨ دَارُ الْكُتُبِ الْعِلْمِيَّةِ بِيْرُوت)

پرگپ عجیب

بعضی ہا ذاتاً بہ پرگپی عادت دارند متاسفانہ دیگران را نیز مجبور میکنند کہ کلمات را بار بار تکرار نمایند. توجہ باید داشت کہ بطور ناگہانی این اشتباہ از شما ہم سرنزند. مجبوراً تکرار کلمات اینگونہ است مثلاً؛ زید چند کلمہ سخن می گوید، بکر با اینکہ میدانند باز ہم بصورت مزاح و سوالیہ سر بلند کردہ اشارہ میکند، بیل؟ آقا؟ چی؟ وغیرہ در جواب او زید مجبوراً وحتماً سخنان خود را از اوّل باید گفت، سگ مدینہ عفی عنہ درین مورد تجربہ دارد کہ بعضی اشخاص بر حسب عادت چنین

سوالاتی را حتماً خواهند کرد لهذا بجای تکرار سخن خاموش می شود. از طرز سوالات معلوم می شود که مخاطب متوجه شده پرگپی میکند. برای از بین بردن این عادت جدو جهد کافی لازمست. باید متوجه شد و از این عادت دست بردار شوید که سخن کسی را شنیده فوراً کلمات (چی؟ چرا؟) و امثال آن را بگوئید، وگرنه مورد احتساب قرار خواهید گرفت.

جائزہ گفتگو

برادران محبوب اسلامی! روش گفتگوی بزرگان دین را ملاحظہ فرمائید چنانچه در منهاج العابدین تحریر است؛ یکبار سیدنا فضیل بن عیاض رحمۃ اللہ علیہ و سفیان ثوری رحمۃ اللہ علیہ باہم ملاقات کردند، بعد از گفتگوی کہ بین شان صورت گرفت ہر دو شروع بہ گریہ کردن نمودند. بعد سفیان ثوری رحمۃ اللہ علیہ فرمود؛ ای ابو علی (این کنیت سیدنا فضیل است) من از این صحبت امروز بسیار امید ثواب دارم، سیدنا فضیل بن عیاض فرمود؛ من از این صحبت امروز بسیار درخوف و ہر اسم، سیدنا سفیان ثوری رحمۃ اللہ علیہ پرسید چرا؟ سیدنا فضیل رحمۃ اللہ علیہ جواب داد آیا ما خود را آراستہ بیان نکرده بودیم؟ آیما احساس تکلیف نداشتیم؟ سیدنا سفیان ثوری رحمۃ اللہ علیہ از شنیدن این سخن دوبارہ شروع بہ گریہ کرد. (مناہج العابدین ص ۴۴)

برادران ارجمند اسلامی! توجہ باید داشت کہ ملاقات بندگان نیک خداوند چگونہ است. با اینکہ دوستان خدا با اخلاص کا مل اسلامی تقوی و ترس الہی را در دل داشتند با زہم در فکراین بودند کہ مباد اسخن خلاف رضای حق را گفتہ با شیم لهذا از این ترس ہر دو اولیاء اللہ شروع بہ گریہ

نمودند پس اشخاصی کہ در سخنان بطور ریاکاری اردو، انگلیسی، عربی و جملات مشکل زبان های دیگر را آمیخته تا مردم بگویند فلانی بسیار علمی صحبت میکند. از این باید درس بگیرند و خود را اصلاح سازند. خاتم النبیین، رحمة للعالمین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید: شخصی کہ سخنان بیپوده را آموخته کہ به وسیله آن مردم را در پریشانی مبتلا سازد خداوند در روز قیامت نہ عبادت فرض او را می پذیرد ونه نفل او را.

(سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ، ج ۴ ص ۳۹۱ حدیث ۵۰۰۶ دار احیاء التراث العربی بیروت)

حضرت علامہ شیخ عبدالحق محدث دہلوی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ تحت این حدیث مبارک می فرمایند: مراد از **صَرَفُ الْكَلَامِ** این است کہ برای حسن و زیبائی کلام، دروغ و بیانات دروغین بصورت ریاکاری در موقع سخن گفتن ردّو بدل شود. (اشعة اللمعات ج ۴ ص ۶۶)

صَلُّوا عَلَيَّ الْحَبِيبِ صَلَّى اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّد

برادران محترم اسلامی! بیان را بہ احتتام میرسانم و سعادت فضیلت سنت و آداب بیان سنت ها را می خواهم کسب نمایم. تاجدار رسالت، شہنشاہ نبوت، مصطفیٰ جانِ رحمت شمع بزم ہدایت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرمایند؛ کسی کہ با سنت من محبت دارد او با من محبت دارد و کسی کہ با من محبت دارد او در جنت در کنار من است. (مشكاة المصابيح، ج ۱ ص ۵۵ حدیث ۱۷۵ دارالکتب العلمیة بیروت)

سینہ تری سنت کا مدینہ بنے آقا

جنت میں پڑوسی مجھے تم اپنا بنانا

شعر:

سینه مدینه سنت تو شدای سرور و آغای ما

در جنت مارا همسایه ای خود بگردان

صَلُّوا عَلَيَّ الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

به نسبت دو از ده حروف (حاضری در مدینه) ۱۲

گل مدنی در رفت و آمد به خانه

(۱) وقتی از خانه بیرون میروید این دعا را بخوانید. "بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ" ترجمه: بنام خدای من به الله توکل کردم بجز خدای دیگر هیچ چیزی را طاقت و توانائی نیست. (ابوداؤد، ج ۴ ص ۴۲۰ حدیث ۵۰۹۵)

إِنْ شَاءَ اللَّهُ با خواندن این دعا و برکتش براه راست خوابی رفت، از آفات محفوظ می شوی و مدد الله عَزَّوَجَلَّ شامل حال شمامی شود. (۲) دعای داخل شدن خانه اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْمَوْلِجِ وَخَيْرَ الْمَخْرَجِ بِسْمِ اللَّهِ وَكُنَّا وَبِسْمِ اللَّهِ كَرَجْنَا وَعَلَى اللَّهِ رَبِّنَا تَوَكَّلْنَا. (ایضاً حدیث ۵۰۹۶) خدایا من از تو نیکی های دخول و خروج خانه را می خواهم بنام الله مابه خانه داخل شدیم و بنام او بیرون آمدیم و به خدای خویش توکل کردیم، بعد از خواندن دعا به اهل خانه سلام گوئید و بعد به بارگاه رسالت سلام عرض نمائید بعد از آن سوره اخلاص را بخوانید إِنْ شَاءَ اللَّهُ در روزی تان برکت می آید و از جنجال خانوادگی نجات می یابید، (۳) موقع داخل شدن به خانه به خانواده خود (مادر، پدر، برادر، خواهر،

زن و بچہ (ها) سلام کنید۔ (۴) بدون ذکر نام اللہ مثلاً؛ بدون بِسْمِ اللہ گفتن کسی کہ بخانہ داخل می شود شیطان نیز ہمراہ او داخل میشود۔ (۵) اگر در مکانی کہ کسی در آن نباشد یعنی خانہ خالی باشد **السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللّٰهِ الصّٰلِحِيْنَ** یعنی سلامتی بر ما و بر بندگان صالح خدا باد گفته شود فرشتہ ہا جواب سلام را می دهند۔ (رَدُّ الْمُحْتَارِ ج ۹ ص ۶۸۲) یا اینگونہ بگوید؛ **السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ** (یعنی سلام بر تو باد ای نبی) چرا کہ روح مبارک حضور اقدس **صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ** در منازل مسلمانان تشریف فرما است۔ (بہارِ شریعت حصہ ۱۶ ص ۹۶، شرح الشفاء للقاری ج ۲ ص ۱۱۸)

(۶) وقتی میخواہید بہ منزل کسی داخل شوید باید اینطور بگوئید السلام علیکم: من میتوانم داخل بیایم؟ (۷) اگر اجازہ دخول ندا دند بہ خوشی بر گردید ممکن است بنا بر مجبوری صاحب خانہ اجازہ ندهد۔ (۸) وقتی کسی درخانہ شما را بزند بپرسید کی ہستی؟ شخص بیرون در باید نامش را بگوید؛ مثلاً بگوید محمد الیاس، بجای نامش نگوید؛ منم دروازہ را باز کن کہ این خلاف سنت است۔ (۹) در وقت جواب دا دن باید کمی دور از درب خانہ ایستاد تا کہ موقع باز کردن در خانہ کسی دیدہ نشود۔

(۱۰) سر کشیدن بہ خانہ دیگران ممنوع است، در رو بروی منزل بعضی ہا منازل دیگران می باشند لہذا عمداً ویا سہواً بہ منزل آنها نباید سر کشیدہ شود۔ (۱۱) بخانہ کسی کہ میر وید نباید بہ انتظامات و سلیقہ ہای شان انتقاد گرفت کہ این عمل سبب رنجش و دل آزاری او میگردد۔ (۱۲) وقت رفتن در حق اہل خانہ باید دعای خیر شود و از آنها تشکر باید کرد و سلام بہ آنها گفته شود و اگر رسالہ ای در مورد سنت ہا در دسترس باشد بطور

ہدیہ تقدیم شان گردد۔ برای آموزش ہزاران سنت دو جلد کتاب مطبوعہ
مکتبۃ المدینہ۔ (بہار شریعت حصہ ۱۶ تحت ۳۱۲ صفحات)

و کتابِ دارای ۱۴۰ صفحہ بنام ”سنت ہا و آداب آن“ را بطور ہدیہ حاصل
نمودہ بخوانید۔ برای بدست آوردن طریقہ سنت ہا سفر کردن با عاشقان
رسول دعوت اسلامی در قافلہ ہای مدنی ضروریست۔

سکینے سنتیں قافلے میں چلو لُونے رحمتیں قافلے میں چلو
ہوں گی حل مشکلیں قافلے میں چلو پاؤ گے برکتیں قافلے میں چلو

ترجمہ اشعار:

برای آموزش سنت ہا و بدست آور دن رحمت الہی باید در قافلہ ہا
بروید۔

صَلُّوا عَلَيَّ الْحَبِيبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

این رسالہ راخواندہ، بد یگران بر سانید؛ در جلسات غم و شادی،
اجتماعات، راہ پیمائی ہا، مجلس میلاد وغیرہ رسائل و گل ہای مدنی شایع
شدہ در مکتبۃ المدینہ را تقسیم نمودہ ثواب کسب نمائید۔ برای توزیع بہ
مشتریان رسالات مذکورہ را در دکان و محل کسب خود بگزارید۔ بوسیلہ
اخبار فروشان و بچہ ہا این رسالات و گل ہای مدنی را کم از کم ما
ہانہ یک جلد از این رسالات و گل ہای مدنی مملو از سنت ہا را بہ ہر محل
و خانہ ہا برسانید۔

احادیث بالا ورقی

- (۱) فرمان مصطفیٰ ﷺ: نزد کسی کہ ذکر من شد و او بر من درود نخواند بیشک او بد بخت شد.
- (۲) فرمان مصطفیٰ ﷺ: نزد کسی کہ ذکر من شد و او درود نخواند گویا بر من جفا کرد.
- (۳) فرمان مصطفیٰ ﷺ: نزد کسی کہ ذکر من شد و او بر من درود نخواند بین مردم او خسیس ترین انسان است.
- (۴) فرمان مصطفیٰ ﷺ: بینی آنکس با خاک الودہ باد کہ در نزد وی ذکر من شد و او بر من درود نخواند.
- (۵) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی کہ بر من ده بار صبح و ده بار شام درود شریف خواند در روز قیامت شفاعت من بہ او میرسد.
- (۶) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی کہ بر من در روز جمعہ ۴۰۰ بار درود خواند گناہان دو صد سال او بخشیدہ می شود.
- (۷) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی کہ در روز جمعہ بر من درود می خواند من در روز قیامت او را شفاعت می کنم.
- (۸) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی کہ بر من در روز جمعہ دو صد بار درود خواند گناہان دو صد سالہ او بخشیدہ می شود.
- (۹) فرمان مصطفیٰ ﷺ: بینی آن شخص خاک آلود باد کہ نزد او ذکر من شد و او بر من درود نخواند.

(۱۰) فرمان مصطفیٰ ﷺ: نزد کسی کہ ذکر من شد واو بر من درود نخواند او خسیس ترین شخص بین مردم است.

(۱۱) فرمان مصطفیٰ ﷺ: بر من بکثرت درود بخوان بیشک فرستادن درود شما بر من سبب بخشش گناہان شما است.

(۱۲) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی کہ خواندن درود بر من را فراموش کرد او راہ جنت را فراموش کرد.

(۱۳) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی کہ در کتابی درود بر من نوشت تا وقت یکہ نام من در آن کتاب است فرشتہ ہا بر او استغفار میکنند.

(۱۴) فرمان مصطفیٰ ﷺ: بر من بکثرت درود بفرست بیشک این برایت طہارت است.

(۱۵) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی کہ در کتابی بر من درود نوشت تا وقتی کہ نام من در آن کتاب است فرشتہ ہا بر او استغفار میکنند.

(۱۶) فرمان مصطفیٰ ﷺ: بر من بکثرت درود بفرست بیشک این برایت طہارت است.

(۱۷) فرمان مصطفیٰ ﷺ: ہر کجا ہستید بر من درود بخوانید درود شما بر من میرسد.

(۱۸) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی کہ دہ بار بر من درود خواند اللہ تعالیٰ بر او صد رحمت نازل می فرماید.

(۱۹) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی کہ بر من دہ بار صبح و دہ بار شام درود خواند شفاعت من در روز قیامت بہ او میرسد.

(۲۰) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی کہ برمن ده بار صبح و ده بار شام درود خواند شفاعت من در روز قیامت به او میرسد.

(۲۱) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی کہ برمن یک درود فرستاد الله تعالیٰ ده رحمت بر او می فرستد.

(۲۲) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی کہ برمن ده بار درود فرستاد خداوند بر او صد رحمت نازل می فرماید.

(۲۳) فرمان مصطفیٰ ﷺ: هر کجا هستید برمن درود بخوانید درود شما به من میرسد.

(۲۴) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی که برمن ده بار صبح و ده بار شام درود فرستاد شفاعت من در روز قیامت به او میرسد.

(۲۵) فرمان مصطفیٰ ﷺ: به کثرت برمن درود بفرستید بیشک این برای شما طهارت است.

(۲۶) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی که در کتابی برمن درود نوشت تا وقتی که نام من در آن است فرشته ها برای او استغفار میکنند.

(۲۷) فرمان مصطفیٰ ﷺ: برمن بسیار درود بفرستید بیشک درودی که بر من می خوانید سبب مغفرت گناهان شما است.

(۲۸) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی که یکبار برمن درود می خواند خداوند برای او یک قیراط اجر می نویسد و قیراط برابر کوه احد است.

(۲۹) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی که خواندن درود را برمن فراموش کرد او راه جنت را فراموش کرد.

(۳۰) فرمان مصطفیٰ ﷺ: بر من بہ کثرت درود بفرستید بیشک درود خواندن شما بر من باعث مغفرت گناہان شما است۔

(۳۱) فرمان مصطفیٰ ﷺ: وقتی کہ شما بر مرسلین درود پاک می خوانید بر من ہم بخوانید بیشک من فرستادہ ربّ جہانیاں ہستم۔

(۳۲) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی کہ بر من یکبار درود فرستاد اللہ تعالیٰ بر او دہ رحمت می فرستد۔

(۳۳) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی کہ بر من دہ بار درود پاک خواند اللہ تعالیٰ بر او صد رحمت نازل می فرماید۔

(۳۴) فرمان مصطفیٰ ﷺ: ہر کجا ہستید بر من درود بخوانید درود شما بر من میرسد۔

(۳۵) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی کہ بر من دہ بار صبح و دہ بار شام درود خواند شفاعت من در قیامت بہ او میرسد۔

(۳۶) فرمان مصطفیٰ ﷺ: بر من بہ کثرت درود بفرستید بیشک این برای شما طہارت است۔

(۳۷) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی کہ در کتابی بر من درود نوشت تا نام من در آن کتاب ہست فرشتہ ہا برای او استغفار میکنند۔

(۳۸) فرمان مصطفیٰ ﷺ: بہ کثرت بر من درود بفرستید بیشک این برای شما سبب مغفرت شما است۔

(۳۹) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی کہ بر من درود خواندن را فراموش کرد او راہ جنت را فراموش کرد۔

(۴۰) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی کہ بر من ده بار درود فرستاد خداوند بر او صد رحمت نازل می فرماید.

(۴۱) فرمان مصطفیٰ ﷺ: بر من به کثرت درود بفرستید بیشک این برای شما طہارت است.

(۴۲) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی کہ بر من خواندن درود را فراموش کرد او راه جنت را فراموش کرد.

(۴۳) فرمان مصطفیٰ ﷺ: ہر کجا ہستید بر من درود بفرستید بیشک درود شما بر من میرسد.

(۴۴) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی کہ در کتابی بر من درود نوشت تا نام من در آن کتاب است فرشتہ ہا برای او استغفار میکنند.

(۴۵) فرمان مصطفیٰ ﷺ: بر من بہ کثرت درود بخوانید بیشک درود خواندن شما سبب مغفرت شما است.

(۴۶) فرمان مصطفیٰ ﷺ: کسی کہ بر من خواندن درود را فراموش کرد او راه جنت را فراموش کرد.

نیک نمازی بننے کیلئے

ہر جمعرات بعد نماز مغرب آپ کے یہاں ہونے والے دعوتِ اسلامی کے ہفتہ وار سنتوں بھرے اجتماع میں رضائے الہی کے لیے اچھی اچھی نیتوں کے ساتھ ساری رات شرکت فرمائیے ﴿سنتوں کی تربیت کے لیے مَدَنی قافلے میں عاشقانِ رسول کے ساتھ ہر ماہ تین دن سفر اور ﴿روزانہ جائزہ لیتے ہوئے ”نیک اعمال“ کا رسالہ پڑھ کر کے ہر مہینے کی پہلی تاریخ کو اپنے یہاں کے ذمہ دار کو جمع کروانے کا معمول بنا لیجئے۔

میرا مَدَنی مقصد: ”مجھے اپنی اور ساری دنیا کے لوگوں کی اصلاح کی کوشش کرنی ہے۔“ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ۔ اپنی اصلاح کے لیے رسالہ ”نیک اعمال“ پر عمل اور ساری دنیا کے لوگوں کی اصلاح کی کوشش کے لیے ”مَدَنی قافلوں“ میں سفر کرنا ہے۔ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ۔



فیضانِ مدینہ، محلہ سوداگران، پرانی سبزی منڈی کراچی

UAN +92 21 111 25 26 92 0313-1139278

www.maktabatulmadinah.com / www.dawateislami.net

feedback@maktabatulmadinah.com / ilmia@dawateislami.net